



## ❀❀ اولین ویژه نامه نشریه هفتگی جنگ کارگری به مناسبت یکسالگی و پنجاهمین ❀❀

افزایش بودجه سپاه قدس، به حساب بودجه دستمزدها!

پادداشت 

صادق کار



Photo: Farhad Rajabali

© news.gooya.com

در بحبوحه کارزارهای تبلیغاتی گسترده و پر هزینه‌ای که به انگیزه ترور سردار سلیمانی توسط ماشین تبلیغاتی رژیم به راه افتاد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به اتفاق آرا طرح یک کمک ۲۰۰ میلیون یورویی به سپاه قدس را به تصویب رساندند.

این مبلغ البته در مقابل میلیاردها دلار بودجه ای که همه ساله از درآمدهای کشور و دزدیدن از سفره و رفاه مردم فقر زده ایران به سپاه قدس اختصاص می یابد شاید رقم کوچکی به نظر آید، اما باید در نظر داشت در شرایطی که دولت با وجود سه برابر کردن قیمت بنزین و گران کردن نان و بسیاری از خدمات دولتی و کاهش شدید بودجه های عمرانی، درمانی و غیره، با کسر بودجه عظیم و کم سابقه مواجه است رقم قابل توجهی است که میشود با آن حداقل گوشه ی یکی از مشکلات مردم را که نیاز به پول دارد رفع نمود.

این مبلغ بخشی از بودجه همسان سازی حقوق بازنشستگان و معلمان، یا افزایش دستمزد کارکنان دولت می توانست باشد که مجلس آن را از آنها دریغ داشت و به سپاه قدس بخشید.

این دست و دلبازی سخاوتمندانه توسط مجلس فرمایشی در حالی انجام می شود، که دولت به بهانه نداشتن استطاعت مالی و کاهش درآمدهای نفتی از افزایش دستمزدهای چند مرتبه زیر خط اکثریت قریب به اتفاق کارگران و مزدبگیران سر باز می زند و درخواست آنها برای افزایش دستمزد و مستمری های شان را با خشونت سرکوب می کند. و تلاش دارد با منطقه‌ای نمودن دستمزد و زدن از دستمزدها در مناطق محروم پول بیشتری را برای تامین هزینه های فزاینده دستگاه سرکوب و سپاه قدس به دست آورد.

دولت سالهاست به بهانه نداشتن بودجه از اجرای قانون همسان سازی حقوق و دستمزد معلمان و بازنشستگان که در مجلس به تصویب رسیده است سر باز می زند و مجلس نیز هیچ اقدامی برای اختصاص بودجه جهت اجرای مصوبه خودش نمی کند.



در حالیکه رشد صعودی هزینه های زندگی با سرعت ادامه دارد، نرخ تورم به قرار آمارهای رسمی بالغ بر ۴۰ درصد شده است و هزینه های خانوار به ۹ میلیون تومان رسیده و پیشبینی ها حکایت از آن می کنند که در صورت ادامه وضعیت کنونی تورم از مرز ۵۰ درصد هم فراتر خواهد رفت، میزان افزایش دستمزد کارکنان و بازنشستگان در بودجه سال آینده دولت ۱۵ درصد اعلام شده است و مجلس نیز هیچ تلاشی برای افزایش این رقم ناچیز انجام نداده است.

بازنشستگان سالهاست و از زمان قبل از شروع مجدد تحریم ها، خواستار افزایش مستمری و بهبود خدمات درمانی از بین رفته خود هنگام بررسی بودجه سالانه دولت در مجلس هستند، ولی مجلس هیچگاه هنگام رسیدگی به برنامه های بودجه دولت ردیفی برای اختصاص بودجه به این منظور در نظر نگرفته است.

ده ها هزار معلم حق التدریسی سالهاست که خواهان استخدام رسمی و بهبود حقوق ها و شرایط کاری شان هستند، آنها بارها در مقابل مجلس به این دلیل تجمع و خواستار اقدام مجلس شده اند، اما نمایندگان مجلس به بهانه کمبود بودجه تا کنون هیچ اقدامی جهت تامین بودجه لازم برای استخدام شان نکرده اند.

هزاران مدرسه در سراسر کشور بویژه در مناطق روستایی و محروم نیمه ویران هستند و فاقد تجهیزات آموزشی و امکانات لازم، تا کنون عده زیادی از دانش آموزان بواسطه ماندن زیر آوار و آتش سوزی در مدارس کشته و دچار آسیب شده اند، مجلس تا کنون برای نوسازی مدارس بودجه لازم را تصویب نکرده است.

نمونه های بسیاری از عدم اختصاص بودجه برای امورات عمرانی و رفاهی توسط نمایندگان مجلس می توان بر شمرد که همگی به بهانه کمبود بودجه صورت گرفته اند.

اگر مجلس، نهادی فرمایشی و نمایندگان آن فاسد و بی توجه به وظایف شان نبودند و به هنگام تخصیص بودجه نیازها و اولویتهای مردم و کشور را مد نظر قرار می دادند، در چنین اوضاع احوالی این ۲۰۰ میلیون یورو را که نوعی دزدی از سفره مردم محروم است به سپاه قدس اختصاص نمی دادند تا صرف مصارف نادرست و خسارت بار کند.

سپاه قدس یکی از پرهزینه ترین نهادهای نظامی و امنیتی کشور است که سالیانه میلیاردها دلار از درآمدهای کشور را می بلعد و آنها را صرف دخالتهای ماجراجویانه، تجاوزکارانه و مخرب و اهداف ارتجاعی حکومت در تعدادی از کشورهای منطقه می کند. دخالت های که به غیر از ایجاد دشمنی در میان مردم منطقه و تحریم و تهدید و ایجاد فقر و فلاکت و افلاس اقتصادی برای مردم ایران و نفاق فرقه ای در میان خلق های منطقه و تبدیل منطقه به بازاری پر سود برای کمپانی های اسلحه سازی نداشته است.

پولهای کلانی که تا کنون صرف فعالیت های تجاوزکارانه و ارتجاعی سپاه قدس شده است، هرگاه صرف امور عمرانی و رفاهی در کشور می شد امروزه هم وضعیت مردم می توانست به مراتب بهتر باشد و هم مردم با این همه تحریم، تهدید و خرابی که عمدتاً بواسطه فعالیت های سپاه قدس و حکومت بر مردم و کشور تحمیل شده اند، مواجه نبودند.

بی جهت نیست که قطع دخالت های حکومت در منطقه که بوسیله سپاه قدس پیش برده می شود به یکی از مطالبات جنبش دیمه ۹۶ و آبان ۹۸ تبدیل شده بود و مردم ایران، عراق و لبنان بطور همزمان علیه فقر و بیکاری و دخالت حکومت ایران در این کشورها به پا خاستند.

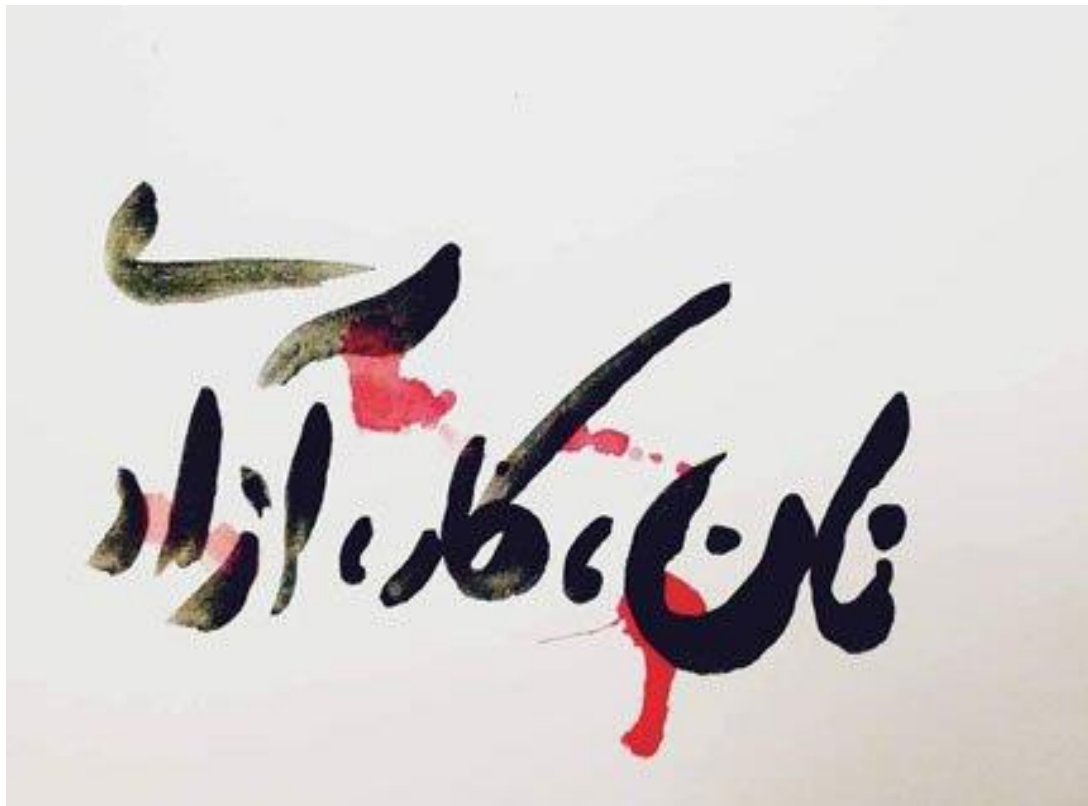
دولت ترامپ با ترور سلیمانی در واقع به جنبش های شکل گرفته در حال رشد زحمتکشان در این سه کشور آسیب رساند و رژیم های ایران و عراق از این فرصت برای تحریک احساسات ملی گرایانه مردم ایران و عراق که نگران شروع یک جنگ تازه بودند و در عین حال دل خوشی هم از سیاست های تجاوزکارانه و زورگویانه دولت ترامپ ندارند در جهت اهداف نامشروع و ضد مردمی خودشان سواستفاده کردند. بهمین دلیل هم خامنه ای در سخنرانی روز گذشته اش که بعد از شلیک نمایشی چند موشک به سوی دو پایگاه اصلی ارتش آمریکا در خاک عراق انجام شد، از رویدادهای پس از ترور های بغداد، و واکنش گروهی از مردم که به دلایل مختلف در مراسم تشییع جنازه سلیمانی شرکت کردند، اظهار رضایت نمود و آن را به حساب حمایت مردم از رژیم گذاشت.

با این همه رضایت و خشنودی خامنه ای و دیگر سران حکومت برای مدتی طولانی نمی تواند دوام آورد. مشکلات مردم به قوت خود باقی هستند و مردم در وضعیتی نیستند که بتوانند از مطالبات شان کوتاه بیایند و فرصت احیا اعتماد مردم به رژیم مدتهاست که از دست رفته است. تشدید بگیر و بندها و برگزاری محاکمات فعالین صنفی و اجتماعی و ادامه اعتراضات صنفی همزمان با گرداندن جنازه سردار سلیمانی در شهرهای مختلف برای جمع کردن هوادار برای رژیم توسط دستگاه تبلیغاتی رژیم گویای این واقعیت اند.



رویدادهای بعد از ترور سلیمانی که موجب پس نشستن یواشکی خامنه‌ای و حکومت از مواضع پیشین شان در مقابل ترامپ شد، ماهیت ماجراجویانه و پر خسارات سیاست خارجی رژیم و هدر رفتن جان‌های بسیار و ده‌ها میلیارد دلار هزینه‌ای را که طی ۴۰ سال صرف آن شد بیش از پیش برملا کرد. با این وصف دیگر نه حفظ سیاست خارجی رژیم و نه سپاه قدس به مثابه عامل پیشبرنده آن با کارکرد کنونی اش قابل دوام اند. خامنه‌ای و دیگر سران حکومت از این پس باید در مورد سیاست خارجی فاجعه بار، پرهزینه و شکست خورده رژیم به مردم پاسخ بدهند!

نیروهای پایبند به اصول دمکراتیک بر خلاف سران حکومت و ناسیونالیستهای ایرانی چشم طمع به ثروتهای کشورهای دیگر دوخته‌اند. بهمین جهت نه از دخالت‌های تجاوزکارانه سپاه قدس در امور کشورهای همسایه حمایت کرده و می‌کنند و نه قهرمانان این تجاوزات را شایسته تجلیل می‌دانند. نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه همانقدر که نسبت به دخالت دیگران در امور کشور خود حساس و در مقابل آن می‌ایستند، با دخالت حکومت ایران در امور کشورهای همسایه و وجود و عملکرد سپاه قدس هم مخالفند. تامین منافع مشروع هر کشوری تا زمانی مورد حمایت است که حق حاکمیت دیگران را پایمال نکند. دخالت‌های تجاوزکارانه و امپریالیستی آمریکا در عراق به هیچ وجه دخالت حکومت ایران در امور داخلی این کشور را توجیه نمی‌کند. درگیری میان دولت ترامپ و رژیم ایران از قسم درگیری میان امپریالیست و ضد امپریالیست آنطور که عده‌ای ساده انگارانه تصور می‌کنند نیست. دعوا بر سر منافع نا مشروع است. متحدین و دوستان واقعی ما در عراق مردمی هستند که علیه فقر و بیکاری و دخالت‌های حکومت ایران، آمریکا و دیگر مداخله گران قیام کردند و مانند مردمی که دو ماه پیش علیه حکومت در ایران قیام کردند صدها نفرشان را به خاک و خون کشاندند. دشمنان مردم هر دو کشور هم حکومت‌های آنها هستند. رهایی هر دو این کشورها از قید دیکتاتوری و بی عدالتی منوط به ادامه جنبش‌های مردمی و پیروزی این جنبش‌ها بر حکومت‌های فاسد و سرکوبگر آنهاست. ترامپ و خامنه‌ای و رهبران سایر دولت‌های مرتجع منطقه همگی دشمنان جنبش‌های مردمی مترقی در ایران و عراق هستند و منافع مشترک در سرکوب و به انحراف بردن آنها دارند.



**خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!**



## مصاحبه با رفیق گودرز اقتدارای از همکاران گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) نشریه جنگ کارگری



رفیق گودرز ضمن تشکر از شما به خاطر زحمتی که برای انتخاب و تهیه مقالات ارزشمندی از میان تعدادی از نشریات کارگری جهت انتشار در "جنگ کارگری هفته" متحمل می شوید، جنگ این هفته یکساله می شود بهمین جهت بفرما چند سوال را در خصوص مطالبی که تهیه می کنید با شما در میان بگذاریم.

**\* مایلید از انگیزه و مقصود خودتان برای تهیه مطالب اتحادیه‌ای و کارگری برای خوانندگان جنگ کارگری چیزی بگویند؟**

برای من در آغاز زندگی سیاسی اجتماعی وقتیکه در ایران بودم و در آغاز انقلاب کار در محیط اجتماعی و مدنی بسیار جذاب بود. در یک خانواده کارمندی متولد و به سابقه فعالیت های سیاسی پدر و مادرم علاقمند به چپ رشد یافتیم. در سالهای دانشجویی من انقلاب رخ داد و بالطبع به فعالیت بعنوان یک هوادار بسوی دانشجویان پیشگام و سازمان فدایی کشیده شدم. فعالیت مدنی را در ارتباط با تعاونی های مصرف و شوراهای محلی در آستانه انقلاب آغاز کردم اما بعلت شروع جنگ و خدمت نظام ارتباطی با سازمان نداشتم تا وقتیکه به خارج از کشور مهاجرت کردم. اما همیشه علاقمند به فعالیت در محیط جامعه مدنی و سازمانگری های حقوق بشری بوده ام. بیشترین فعالیتیم در خارج هم در سازماندهی های اجتماعی برای مهاجرین، پناهندگان و برعلیه جنگ بوده است. در ارتباط با کنشگری های صنفی باوجود آنکه بجز دوران کوتاهی بعلت مسئولیت های مدیریتی بیشتر مواقع از امکان عضویت در اتحادیه محروم بوده ام ولی مطالعه درباره مبارزات صنفی را پی گرفته ام. از بدو تاسیس حزب چپ هم برین باور بوده ام که بیش از هرچیز سازماندهی کارگران و آگاهی بخشیدن به طبقه کار وظیفه حزب است و نه درگیرشدن در مسائلی که لزوما برسر ان توافقی نیست. هم ازین رو بوده است که به ترجمه اسناد جنبش کارگری روی آوردم و در این مورد با بخش کارگری همکاری می کنم.

**\* منابع مقاله هایتان را چگونه انتخاب می کنید، مقصود این است که چه عواملی در انتخاب مطالب برای شما حائز اهمیت اند و چرا؟**

مطالبی که در تارنما و بولتن کارگری منتشر میشود مشخصا دو مضمون دارند، یا جنبه خبری آنها برای جنبش جهانی کار اهمیت دارد و یا از نظر تاریخ جنبش در مراحل شکل گیری جنبش اهمیت دارند. من بیش از هرچیز به مطالب تحقیقی و تحلیلی می پردازم و منابع آنها معمولا یا از گزارش های سازمان بین المللی کار ILO و سازمان های وابسته است و یا از انتشارات دانشگاه ها و موسسات تحقیقاتی اتحادیه اروپا است که در مساله روابط صنعتی و کارگری تحقیق میکنند.



از نظر موضوعی نیز سعی بر آن بوده است که اولاً به نحوی برای درس‌گیری جنبش در ایران تأثیر مثبت داشته باشد و ثانیاً از نظر لایه‌های مقطعی و چند مقطعی جنبش کار در ایران قابل انطباق باشد. این لایه‌ها شامل زنان، کودکان کار، و مهاجران چه از افغانستان و چه مهاجرین روستا به حاشیه شهرها می‌شود.

**\*گرایش‌های در جنبش جهانی مشاهده می‌شود که دیگر اعتقادی به ثمربخش بودن فعالیت اتحادیه ندارد. در ایران نیز جریان فکری کارگری معینی هستند که نظرات مشابه‌ای دارند، اوضاع در کشورهایی که شما تجربیات آنها را دنبال می‌کنید چگونه است؟ عده قابل توجهی از آنها کارکرد اتحادیه‌ای را بی‌ثمر می‌دانند؟**

این سوال بسیار مهمی است، چرا که در بسیاری از کشورهای غربی بویژه آنها که تحت حاکمیت‌های نولیبرال و محافظه‌کار قرار دارند، نقش اتحادیه‌های کارگری و صنفی به حداقل رسیده است. این مسأله بالطبع به چند موضوع بستگی دارد. اول آنکه اصولاً اتومبیلیون و انقلابات تکنولوژیک رابطه صنعتی را دگرگون ساخته و برخی از ایشار کار بویژه در صنایع خصوصی که دائماً در حال افزایش نفری ست دیگر قرینه‌ای با ساختار اتحادیه‌ها حس نمی‌کنند، دوم و از همه مهم‌تر رشد نولیبرالیسم، حذف کنترل‌های ساختاری دولتی در حمایت از تشکل‌های کاری است، سوم جهانی شدن اقتصاد به شمول بازار کار و انتقال سرمایه‌گذاری به مناطق جنوب و شرق است که از دیدگاه قوانین ناظر بر حقوق کارگران و نظارت‌های زیست‌محیطی بی‌در و پیکر تر هستند و دست سرمایه‌گذار برای هر نوع اجحاف باز تر است. چهارم ظهور مدل‌های اقتصادی و تجاری شبکه‌ای و رشد طبقات پروکاریایی است که تعداد کارکنان تمام وقت و ثابت را به حداقل می‌رساند.

با توجه به این شرایط سوال آنست که آیا اتحادیه‌ها از این پس نیاز کارگران هستند یا نه؟ پاسخ به نظر من آنست که درست که شبکه‌هایی مانند اوپر، لیفت، و همزاد ایرانی‌شان اسنپ جای کمپانی‌های تاکسی‌رانی را گرفته‌اند. ولی رانندگان آنها همان نیازها و تضمین‌های تاکسی‌رانان متحد را دارند. از اینجا کاستی سیستم غربی تأمین اجتماعی که مسئولیت امور را به کارفرما منتقل کرده است و آن را از دوش دولت برداشته نمایان می‌شود. جنبش فعلی در آمریکا برای تأمین اجتماعی ملی بشمول بیمه درمانی سعی دارد که این معضل را پاسخ گوید که دولت‌ها نسبت به همه شهروندان مسئول بهداشت و درمان و آموزش و تأمین اجتماعی هستند. مدل فدراسیونی و کنفدراسیونی اتحادیه‌های سازمان جهانی کار در حال جایگزین‌سازی مدل قرارداد کارگاهی با قراردادهای جمعی در سطح ملی ست و مبارزه در ترکیه مثلاً بر این منوال پیش می‌رود که می‌گوید بسیار خوب شما می‌خواهید صنایع را خصوصی کنید و این کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را به شرکت‌های خارجی بفروشید؟ باشد ولی در عوض تأمین اجتماعی و بهداشت را دولت تضمین کند.

به عبارت دیگر بجای آنکه اتحادیه‌ها در سطح کمپانی و کارگاه شکل گیرد در سطح ملی فعالیت می‌کند و در برخی کشورها صحبت احزاب با اهداف کارگری ست که در سطح ملی مبارزه سیاسی ادامه یابد. در آمریکا این مبارزه را در حال حاضر سازمان دموکراتیک سوسیالیست آمریکا پیش می‌برد که بعلاوه محدودیت ساختاری موجود در جناح چپ حزب دموکرات شکل گرفته است و تعدادی نماینده هم در کنگره دارد.

در مورد ایران هم ارزی من در آغاز آن بود که در حزب چپ بیشتر توجه روی این خصلت تاریخی طبقاتی باشد. شکست و پسرفت احزاب سوسیال دموکرات در اروپا هم نشانه آنست که سوسیال دموکرات‌ها با تمرکز بر مسائل غیر طبقاتی عملاً به فراکسیون‌های چپ محافظه‌کاران تبدیل شده‌اند و هم درسیاست و هم در مبارزه طبقاتی جای خود را بعنوان پیشرو از دست داده‌اند. امیدواری اما ظهور و تجمع بر روی چپ نوین از سوی جوانانی ست که با نابرابری امکانات در جهان نولیبرال با اقتصاد جهانی شده بیشترین صدمات را دیده‌اند.

**\*وضعیت برخورد حکومت و دولتها با اتحادیه‌ها و حقوق سندیکایی کارگران در ایران روشن تر از آن است که نیاز به توضیح داشته باشد، در کدام کشورها اوضاع حقوق سندیکایی از ایران بدتر است؟ روندها رو به بهبود بوده‌اند یا در حال پس رفت؟**

از آغاز دهه هشتاد و ظهور دولت‌های محافظه‌کار با اقتصاد نولیبرال در آمریکا و اروپا خدمات دولتی در این کشورها هدف اصلی تهاجم بوده‌اند که خواستار حذف کنترل دولتی و مشارکت دولت در اقتصاد و قانونمندی روابط صنعتی بوده‌اند. در نتیجه تمام نیرو بر علیه اتحادیه‌ها و فعالیت‌های سندیکایی در موسسات عرضه‌کننده این خدمات بسیج شده است. در آمریکا بویژه دهه‌های متوالی صرف لغو اجبار در عضویت اتحادیه در کارگاه‌های تحت پوشش شده است که سرانجام سال گذشته به تأیید دیوان عالی قضایی آمریکا رسید. به این معنی که اگر شما در کارگاهی استخدام می‌شوید مجبور نباشید عضو اتحادیه‌ای بشوید که طرف قرارداد جمعی با کارفرماست. در نتیجه گرچه شما از مزایای قرارداد جمعی منفعت خواهید برد ولی حق عضویت نمی‌پردازید. هدف آنست که با این وسیله اتحادیه‌ها را به ورشکستگی مالی بکشانند. نکته امیدوارکننده آنست که آمارگیری‌های مستقل



نشان می‌دهد که، علیرغم انتظار محافظه کاران، حکم دیوان عالی معروف به "جانوس علیه اتحادیه کارکنان فدرال، استانداری، فرمانداری و شهرداری آمریکا AFSCME" یکسال پس از صدور تاثیر چندانی بر تعداد اعضای این اتحادیه ها نداشته است.

ولی مشکل واقعی در کشورهایی مانند آمریکا که من از آن بیشتر اطلاع دارم آنست که طی دهه های اخیر تاثیرات اتحادیه ها و فعالین سندیکایی در روند سیاسی کاهش یافته و خواسته های آنها عملاً به هیچ انگاشته میشود. دلیل عمده در این روند آنست که اتحادیه بجای آنکه به محل تشکل کارگران برای خواست های طبقاتی باشد تبدیل به زانده احزاب سیاسی شده اند که عمدتاً هم برای پیشبرد اهداف سیاسی احزاب مصرف میشوند و نه برعکس. مع الاسف بجای آنکه احزاب سیاسی خود را موظف به جلب حمایت کارگران بدانند آنها را مانند ژتونی در جیب خود میدانند که نیازی به جلب اطمینان و رای شان نیست و هرچو بخواهند میتوانند آنها را خرج هود کنند. نتیجه در انتخابات 2016 آن بود که بجز تعداد معدودی بقیه اتحادیه ها بجای حمایت از نماینده سوسیال دموکرات برنی ساندرز خود را متحد کاندیدایی کردند که از گرفتن رای کارگران در ایالت های نیمه صنعتی مثل ویرجینیا، ویسکانسین، و حتی پنسیلوانیا مرکز صنایع فلزی و میشیگان مرکز اتومبیل سازی هم عاجز ماند.



گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) "دفتر اول" را بصورت جزوه انتشار داد  
\*اتوماسیون و آینده کار

دیوید اسپنسر و دیوید اچ. آوتور  
ترجمه از نشریه "جنگ کارگری"

<https://bepish.org/node/3081>



## نان و آزادی! بهباد کربمی



نخستین سالگرد و انتشار پنجاهمین شماره مجموعه موفق خبری، تحلیلی و آموزشی "جنگ کارگری" را به رفقای دست اندرکار آن و همه حزب چپ ایران (فدائیان خلق) شادباش گفته و با امیدی فزونیتر، آرزوی تداوم کارش را دارم. تردید نباید داشت که این دستاورد شکل نمی‌گرفت و نمی‌پایید هرگاه سختکوشی و حس تعهد والای مدیریت آن در میان نمی‌بود. به همین مناسبت و بگونه سپاس گزارانه، در نوشته حاضر بر همانی پای می‌فشارم که درونمایه و جانمایه این "جنگ" طی مدت انتشارش بوده است: **ضرورت عدالت اجتماعی در همین حالای ایران امروز!**

**1- همه جوامع، مبتنی بر تقسیم طبقاتی هستند و متشکل از طبقات و اقشار. هستی اجتماعی همه آنان، گره خورده مبارزه گروهبندی های اجتماعی بر سر میزان سهمی است که هر یک می‌خواهند از تولید ثروت و ارزش‌های آفریده شده ببرند. نوع کشاکش طبقاتی اما مستقیماً متأثر از وضعیت سیاسی در هر کدام از آنها هم هست آن دسته از ملت‌ها که از دیکتاتوری و استبداد سیاسی رنج می‌برند، این مبارزه را عموماً زیر فشار داغ و درفش طی می‌کنند، حال آنکه در رشته کشورهایی که اداره امور بر دموکراسی سیاسی استوار است، صف آرای‌های اجتماعی در برخورداری از آزادی‌ها پیش می‌روند.**

در کشورهای دموکراتیک وجود و تثبیت آزادی‌ها، به همه طبقات و اقشار اجتماعی آن، اعم از توانگر برخوردار از امتیاز و یا استثمار شده تحت اجحاف، این اجازه را می‌دهد که بتوانند پیرامون مطالبات مشترک خود متشکل شده و به این یا آن اندازه از منافع جمعی خود دفاع کنند. حقوق صنفی و سیاسی شهروندان در این کشورها، حتی با هر حد از سلطه اقتصادی، ایدئولوژیک و رسانه ای طبقات مسلط در آنها، قانوناً و عملاً امری است پذیرفته و همین خود، موجبی برای نوعی از خلوص مبارزه اجتماعی.

در این نوع کشورها انرژی اصلی زحمتکشان و تشکل‌هایشان و نیز احزابی که منادی و پاسدار مطالبات آنانند، بر توسعه و تعمیق هر چه بیشتر دموکراسی در سمت دموکراتیسم اجتماعی ژرف تر تمرکز دارد و مستقیماً معطوف به مطالبات برنامه ای طرفین کشاکش است. مبارزه طبقاتی در این جوامع، عموماً شکل بی واسطه به خود می‌گیرد و رقابت‌ها در آنها، تمرکز و معنی خود را سر تصاحب ابزار و امکانات برای تحقق پیشنهادهای برنامه‌ای یافته و می‌پذیرد. در آنها، ابزار مبارزاتی همچون اعتصاب، تظاهرات و خیابان، هم مورد حمایت قانون‌اند و هم که خود ابزاری برای تغییر قانون.

چپ این جوامع، از وجود دموکراسی برای سوسیالیزه کردن جامعه بهره می‌گیرد و آزادی‌های شهروندی به زحمتکشان کمک می‌کند تا مبارزه برای عدالت اجتماعی جریان بیابد.

**2 - در جوامع استبداد زده و تحت سیطره دیکتاتوری اما، اعمال آمریت حکومتی در همه زمینه‌ها مانع از آنست که مبارزه اجتماعی در اشکال بی واسطه تحقق یابد. زیرا دیکتاتوری در ستیز با اصل مشارکت جمعی قرار دارد و مانعی است برای تولید ثقل در دفاع از منافع مشترک. در این جوامع، مبارزه سیاسی با دیکتاتوری و تلاش برای برقراری و رعایت آزادی‌های شهروندی، دارای اهمیت محوری برای پیشبرد مبارزه طبقاتی است.**

بدون درهم شکستن موانع تحمیل شده از سوی دولت دیکتاتور سر راه تشکل و تحزب زحمتکشان، توده‌های زحمت امکان برخوردار شدن از تشکل‌های مستقل خود که نقش کلیدی را برای تأمین مطالبات شان را دارد نمی‌یابند و ضد دموکراتیسم



موجود مانع از گره خوردگی آنان با احزاب سیاسی مدافع و منادی منافع آنی و اتی شان می‌شود. در چنین جوامعی و به عنوان نمونه همین ایران کنونی، کارگری را که جان کنده و کار کرده است بخاطر مطالبه دستمزد معوقه‌اش به تخته شلاق می‌بندند و او را تازیانه تعزیری می‌زنند و به زندان و اخراج از کار محکوم می‌کنند! اینجا دیگر مبارزه طبقاتی جامعه سرمایه داری، حتی تا سطح جامعه برده داری و پیش سرمایه داری پس می‌رود!

در کشوری همانند ایران که بر آن حکومتی واپسگرا و مستبد زیر علم فقاقت ولایت مداری می‌کند، مبارزه برای آزادی و دموکراسی، یعنی خود مبارزه طبقاتی، چرا که در نبود آزادی‌های اولیه و دموکراسی حداقل که بکلی در قاموس جمهوری اسلامی و در رژیم های دیکتاتوری بی معنا هستند، نفس مخالفت علیه بیکاری و دستمزد پائین و اعتراض به زورگویی صاحبان سرمایه و دولت پشتیبان شان، ولو اینکه اعتراض ها ظاهرا در قوانین کشور به رسمیت شناخته شده باشند، رفتار هنجار شکنانه کارگران و زحمتکشان تلقی می‌شود.

اصل بنیادین مبارزه طبقاتی در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی، همانا مخالفت بی چون و چرا با این حکومت ولایی است. از اینرو نیز، هر نوع نگاه و سیاست مماشات گرایانه نسبت به جمهوری اسلامی هر اندازه هم که خود را از همه پایینتر به سمتگیری چپ و عدالت خواهی معرفی کند، فاقد پایه است و نباید و نمی‌تواند اعتماد برانگیزد. در ایران کنونی، برقراری آزادی به اندازه تامین نان اهمیت دارد. آزادی در ایران، نه صرفا مطالبه ای روشنفکرانه بل عین خواست طبقاتی است.

مبارزه برای آزادی و دموکراسی در ایران، اولویت نخست را دارد و شرط وفاداری در دفاع از منافع توده‌های میلیونی در برابر هرگونه استثمار و غارتگری، به آنست که سمت اصلی پیکار طبقاتی با همین رقم بخورد. زحمتکشان منطقاً در پی مناسبات اجتماعی عادلانه هستند و در بیان دقیق کلمه، سوسیالیزه کردن جامعه. اما تا دموکراسی مستقر نشود و تثبیت نیابد، کی می‌توان توسعه‌ای عدالت محور داشت؟ "جنگ کارگری" در همه این یک سال، وفاداری راستین خود به این نگاه درست و نافذ را بگونه پیوسته نشان داده و دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان را بر مبنای باور به تقدم آزادی و دموکراسی بر هر چیز دیگر پیش برده است.

**3- اولویت دادن به آزادی و دموکراسی در نظام ولایی از سوی چپ مسئول و تیزبین، در عین حال مستعد این خطر هم می‌تواند باشد که او را در اینجا و آنجا در دفاع از منافع و مصالح اقتصادی زحمتکشان، دچار لغزش برای انتخاب اجتماعی کند! یعنی در رعایت الزامات امر همراهی‌ها و همسویی‌های لازم و ناگزیر با آن دسته از راستگرایانی که بهرحال از نبود آزادی گلایه دارند و در حد معینی خواستار دموکراسی هستند، وسوسه شود تا از جدیت خویش در مبارزه طبقاتی بکاهد. حال آنکه حفظ اتحاد مرحله‌ای و مقطعی با گروه‌بندی‌های متعلق به طیف سرمایه، بهیچوجه نباید موجبی برای چشم بستن بر ستم اقتصادی و اجتماعی روزمره سرمایه داران و دولت های حامی شان علیه تهیدستان شود.**

چنین خطری برای چپ، در شرایط حاکمیت نظام آزادی ستیز، ضد دمکرات، تبعیض بنیاد و واپسگرای جمهوری اسلامی خطری واقعی است. زیرا ما با حکومتی روبرو هستیم که موجودیت ویرانگر و هستی سوز آن، انگیزه‌هایی را در چپ سیاست ورز برای اتحادجویی با دیگر مخالفان این نظام پدید می‌آورد. در چنین وضعیتی، این چپ از هر سو تذکر می‌شنود که فعلاً اصل بر پایان دادن به حیات شوم جمهوری اسلامی است و نباید که میدان به اختلافات "فرعی" داد! هشیار بودن هم، درست اینجاست که اهمیتش را نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی دفاع از منافع آنی زحمتکشان و پایبندماندن به چشم انداز اجتماعی نیروی کار جامعه، وظیفه‌ای است خطیر و غفلت از آن نابخشودنی. افتخار "جنگ کارگری" به اینست که بر متن مبارزه در راه آزادی و دموکراسی، توانسته این وظیفه اجتماعی چپ را به نحو سنجیده و شایانی پیش ببرد. افتخار بیشترش هم به اینکه، توانسته وظیفه خود را بگونه‌ای واقع بینانه انجام دهد و دچار رویاپردازی نشود. "جنگ کارگری" صحنه اقتصادی و سیاسی کشور را از منظر مخالفت با برنامه‌ها و تمایلات نتولیبرالی دیده و در همانحال اما، اصل را بر حاکمیت نکبت نظام ولایی در کشور گذاشته است.

"جنگ کارگری" نشان داده که درک قابل تحسینی از گره خوردگی نان و آزادی در ایران دارد و لذا توانسته است با رصد کردن دقیق چشم انداز دموکراسی و عدالت در کشورمان و با به تصویر کشیدن درست وضعیت جاری، کار آگاه گرایانه خود را بطور موثر پیش ببرد. ضرورت عدالت اجتماعی در ایران نه امر پسا دموکراسی، که موضوعی است مطرح در همین حالای ایران و درآمیخته با آن. درود بر هوشمندی مدیران زحمتکش و بینای "جنگ کارگری".



## مروری بر فعالیتهای جنبش کارگری جهانی در سال ۲۰۱۹ سهراب مبشری



نوشته حاضر، مروری است بر فعالیتهای جنبش کارگری جهانی در سال ۲۰۱۹. بدیهی است که در این مقاله امکان بازتاب دادن به همه رویدادهای مربوط به مبارزات زحمتکشان جهان طی سالی که گذشت وجود ندارد. با این حال، امید است که گزارش زیر، تصویری از مسائلی و نبردهایی که طبقه کارگر در کشورهای مختلف در آن درگیر است به دست دهد.

### هند

در هشتم و نهم ژانویه، اتحادیه های کارگری در هند در اعتراض به ادامه سیاستهای ضدکارگری در این کشور اعتصابی عمومی را سازمان دادند. در این اعتصاب، زحمتکشان بخشهای مختلف، شامل کشاورزی، آموزش، بنادر، بانکها، نیروگاه ها، حمل و نقل و نیز فروشندگان دوره گرد و رانندگان تاکسی شرکت کردند. اعتراض زحمتکشان به سیاستهایی بود که از سال ۲۰۱۴ بدین سو شرایط کار را در هند بدتر کرده است. به گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، بیش از ۹۰ درصد زحمتکشان هند در بخش غیررسمی اقتصاد این کشور کار می کنند.

### زیمبابوه

به دنبال اعتصابی سه روزه در زیمبابوه، پلیس این کشور به تظاهراتی در اعتراض به گرانی آتش گشود و حداقل دو نفر را به قتل رساند. این اعتصاب و تظاهرات پس از افزایش ناگهانی قیمت سوخت توسط دولت زیمبابوه برگزار شد. پس از این اعتصاب، جافت مویو یکی از رهبران سندیکایی زیمبابوه دستگیر شد.

### تعرض به حقوق کارگران تحت عنوان آزادی تجارت الکترونیکی

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در مورد عواقب موافقت نامه تجاری در مورد تجارت الکترونیکی هشدار داد. خبر تدارک چنین موافقت نامه ای در حاشیه اجلاس جهانی اقتصادی در داووس سوئیس اعلام شد. هدف از این موافقت نامه تسهیل دسترسی شرکتهایی مانند آمازون، گوگل، فیس بوک و اوبر به بازارهای جدید است.

در سالی که گذشت یک سمپوزیوم بین المللی در بروکسل به بررسی نفوذ فزاینده آمازون در اقتصاد و جوامع کشورهای مختلف اختصاص یافت. شرکت کنندگان در این گردهمایی، آمازون را متهم به نقض حقوق کارگران کردند.

### نیجریه

اتحادیه های کارگری نیجریه موفق به کسب موافقت نمایندگان پارلمان با افزایش ۶۶ درصدی حداقل دستمزد به معادل ۸۷ دلار آمریکا شدند.



## الجزایر

اتحادیه های کارگری الجزایر در سازماندهی تظاهرات برای حقوق اساسی شهروندی و آزادی های دموکراتیک، از جمله تظاهرات هشتم مارس، شرکت فعال داشتند.

روز نهم دسامبر قدور شویشه عضو هیأت اجرایی اتحادیه سندیکاهاى الجزایر در مراجعه به یک مقر پلیس برای پس گرفتن تلفن همراهش که در جریان یک تظاهرات توسط پلیس ضبط شده بود، زندانی شد. این تظاهرات در اعتراض به بسته شدن دفاتر این اتحادیه در روز سوم دسامبر برگزار شده بود.

## مبارزه علیه تغییرات اقلیمی

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری طی بیانیه ای ضمن استقبال از برنامه دولت کوستاریکا برای کاهش اشاعه گازهای کربنی به صفر تا سال ۲۰۵۰، خواهان رعایت موازین عدالت در گذار به اقتصاد بدون کربن شد. این کنفدراسیون اعلام کرد کلید موفقیت دستور کار اقلیمی سازمان ملل متحد، عدالت زیست محیطی است. خواست محوری عدالت زیست محیطی این است که کشورهای ثروتمند به عنوان آلاینده های اصلی جو زمین، بخش عمده هزینه گذار به اقتصاد غیرکربنی در سراسر جهان را متحمل شوند. این خواست، به عنوان مثال یکی از شعارهای اصلی بیش از ۷۰۰ اکسیون دانشجویی در ۷۲ کشور در روز ۱۵ مارس ۲۰۱۹ بود.

## ترکیه

یک گزارش کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری حاکی است در عملیات ساختمانی فرودگاه جدید استانبول، حداقل ۵۲ کارگر بر اثر سوانح کار جان باختند. دولت ترکیه به هشدارهای متعدد در مورد عدم رعایت استانداردهای ایمنی کار در احداث فرودگاه جدید استانبول اعتنایی نکرد. اتحادیه های کارگری ترکیه بارها به شرایط غیربهداشتی خوابگاه های کارگران، فقدان ایمنی کار، عدم پرداخت دستمزد و نیز خودداری پیمانکاران از پرداخت حق بیمه های اجتماعی کارگران شاغل در پروژه فرودگاه استانبول اعتراض کردند.

## کره جنوبی

تحت فشار کارفرمایان کره جنوبی، لویحی در این کشور تهیه شد که حقوق مذاکره جمعی و حق اعتصاب را در این کشور محدود می کند.

## مخالفت صندوق بین المللی پول با افزایش دستمزدها

در سالی که گذشت صندوق بین المللی پول کماکان به انتشار این ادعا ادامه داد که افزایش دستمزدها، کارفرمایان را بر آن می دارد که فرصتهای شغلی را از بین ببرند. این در حالی است که کشورهای عمل کننده به این گونه توصیه های صندوق بین المللی پول، در کاهش بیکاری موفق نبوده اند.

در آستانه اجلاس بهاری صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در واشینگتن، اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف خواهان چندجانبه گرایی مبتنی بر برابری به منظور دستیابی به یک قرارداد جدید اجتماعی و توسعه پایدار شدند.

## برزیل

در ماه آوریل در سی شهر جهان تظاهراتی با خواست آزادی لولا دا سیلوا رئیس جمهور پیشین و از رهبران جنبش کارگری برزیل برگزار شد. بسیاری از فعالان در جنبش کارگری برزیل، اتهامات طرح شده علیه لولا دا سیلوا را پرونده سازی علیه او می دانند.

برزیل در سالی که گذشت شاهد اعتراض بومیان منطقه آمازون به آتش زدن بخشهای وسیعی از جنگلهای این منطقه توسط سودجویانی بود که با حمایت دولت راستی این کشور، برای سود بردن از کشت محصولات کشاورزی دست به نابودی ریه سبز کره زمین می زنند.

## صدمین سالگرد تأسیس سازمان جهانی کار

در سال ۲۰۱۹ صد سال از تأسیس سازمان جهانی کار گذشت. بدین مناسبت، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری طی بیانیه ای خطاب به ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل متحد خاطرنشان کرد جهان امروز نیز مانند سال ۱۹۱۹ با چالش هایی مواجه است. طی یک نظرخواهی بین المللی، ۸۴ درصد مردم جهان می گویند حداقل دستمزد در کشورشان برای تأمین زندگی کفایت نمی کند. میزان اشتغال زنان تنها ۴۸ درصد است، در حالی که ۷۵ درصد مردان شاغلند. دستمزد زنان به طور متوسط ۲۵ درصد از مردان کمتر است. بیش از ۷۰ درصد مردم جهان تأمین اجتماعی ندارند. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری



خواهان یک قرارداد اجتماعی جدید بین کارگران، دولت‌ها و کارفرمایان است که وعده کار درخور شأن انسان برای همه را تحقق بخشد.

## کلمبیا

اتحادیه های کارگری کلمبیا در سازماندهی تظاهرات گسترده ماه آوریل این کشور در دفاع از قرارداد صلح شرکت داشتند. به دعوت اتحادیه های کارگری همچنین یک اعتصاب عمومی علیه یک طرح پارلمانی برای دادن اختیارات فوق العاده به ایوان دوکه رئیس جمهور دست راستی کلمبیا برگزار شد.

به دنبال گسترش اعتراضات در کلمبیا، یک گروه شبه نظامی دست راستی به نام عقابهای سیاه رهبران اتحادیه های معلمان کلمبیا را تهدید به مرگ کرد. از هنگام امضای قرارداد صلح ۲۰۱۶ در کلمبیا تا کنون صدها رهبر نهادهای مدنی و اتحادیه های کارگری این کشور به قتل رسیده اند.

## اعتراض به مواد خطرناک در محیط کار

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اعلام کرد هر یازده ثانیه یک نفر قربانی شرایط مرگبار کار می شود. بیانیه کنفدراسیون مزبور حاکی است در بسیاری از کشورها، ابتلا به سرطان در رده نخست عوامل مرگبار در محیط کار قرار دارد.

## یک زن فیلیپینی، برنده جایزه بین المللی حقوق سندیکایی

خانم فرانس کاسترو برنده جایزه بین المللی حقوق سندیکایی در سال ۲۰۱۹ شد. خانم کاسترو این جایزه را به خاطر سالها مبارزه برای سازماندهی معلمان در فیلیپین و مبارزه برای حقوق بنیادین کارگران در این کشور دریافت کرد.

روز یکشنبه دوم ژوئن ۲۰۱۹ لئونیدس سکونیا یک رهبر اتحادیه های کارگری فیلیپین توسط تیراندازان موتورسوار به قتل رسید. انگشت اتهام به سوی دولت دست راستی دورته رئیس جمهور فیلیپین نشانه رفته است. در ماه نوامبر نیروهای امنیتی ۵۷ عضو اتحادیه های کارگری و سازمانهای جامعه مدنی این کشور را بازداشت کردند.

## خواست آزادی تشکل و قراردادهای جمعی در تظاهرات اول ماه مه

خواست آزادی تشکل و قراردادهای جمعی یکی از شعارهای اصلی تظاهرات اول ماه مه سال ۲۰۱۹ در کشورهای مختلف بود. تظاهرکنندگان به نقض این حقوق در سراسر جهان اعتراض کردند.

فلیکس آنتونی دبیر ملی کنگره سندیکاهای کشور فیجی که ریاست شاخه آسیا و اقیانوسیه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری را نیز بر عهده دارد، روز اول ماه مه همراه با ۳۰ عضو دیگر اتحادیه های کارگری فیجی بازداشت شد.

## اکوادور

در اکوادور یک توافق دولت این کشور با صندوق بین المللی پول به اعتراض گسترده منجر شد. طبق این توافق، دولت اکوادور متعهد شده است شمار کارکنان دولت را کاهش دهد و به کاستن از مقررات مربوط به کار اقدام کند.

## آرژانتین

روز ۲۹ مه ۲۰۱۹ یک اعتصاب عمومی در اعتراض به سیاستهای انقباضی در آرژانتین برگزار شد. مبارزات اتحادیه های کارگری این کشور نقش عمده ای در ناکامی ماکری رئیس جمهور دست راستی آرژانتین در انتخابات این کشور ایفا کرد.

## اعتصاب زنان در سوئیس

در ماه ژوئن در سوئیس یک اعتصاب سراسری زنان برگزار شد. خواستههای اعتصاب کنندگان عبارت بودند از دستمزد برابر، سرمایه گذاری در بخش پرستاری، به رسمیت شناختن ارزش واقعی کار رایگان زنان در خانه و جامعه، عدم تحمل خشونت جنسیتی و تدابیر مؤثر برای جلوگیری از تعرض روحی و جسمی به زنان.

## جیبوتی

به علت شرکت در اعتراضات، شش معلم در جیبوتی دستگیر شدند. همچنین ۳۷ کارگر راه آهن این کشور تعلق شدند. اعتراضات در جیبوتی علیه سطح نازل دستمزدها، عدم امنیت شغلی و شرایط بد کار در این کشور است. راه آهن جیبوتی در مالکیت یک شرکت چینی است.



## قزاقستان

ارلان بالتابای رهبر اتحادیه کارگران نفت و انرژی قزاقستان به هفت سال زندان و هفت سال محرومیت از هر گونه فعالیت در عرصه عمومی محکوم شد. دادگاهی در قزاقستان همچنین به انحلال اتحادیه تحت مسئولیت بالتابای رأی داد. به دنبال اعتراضات گسترده بین المللی، بالتابای از زندان آزاد شد. سپس حکم او به ۵ ماه زندان تقلیل داده شد. در ماه اکتبر وی دوباره به زندان رفت.

## شیلی

از ماه سپتامبر شیلی صحنه اعتراضات گسترده مردم این کشور به سیاستهای دولت دست راستی پینیرا رئیس جمهوری شیلی بود. به دنبال گسترش یافتن این اعتراضات، محل کنفرانس اقلیمی سازمان ملل که قرار بود در شیلی برگزار شود به اسپانیا تغییر یافت.

## عراق

در جریان تظاهرات صدها هزار تن از مردم عراق برای طرح خواستههایی مانند ایجاد اشتغال، بهبود خدمات اجتماعی و پایان دادن به فساد گسترده، صدها تن از معترضان توسط نیروهای دولتی به قتل رسیدند. میلیونها تن از مردن عراق درآمد روزانه ای کمتر از دو دلار دارند.

## محکومیت کودتای نظامی در بولیوی

اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف کودتای نظامی در بولیوی را محکوم کردند. به دنبال این کودتا، اوو مورالس رئیس جمهور منتخب بولیوی ناچار به پناهنگی به مکزیک شد. بولیوی دارای بزرگترین منابع لیتیوم جهان است. این ماده در تولید باتری به کار می رود. شرکتهای بزرگ خودروسازی و تولید وسایل الکترونیک غرب به منابع لیتیوم بولیوی چشم دوخته اند.

## ایران

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اعمال خشونت مرگبار علیه معترضان در ایران را محکوم کرد. خانم شاران بارو دبیرکل این کنفدراسیون در بیانیه خود گفت قتلهای اخیر در ایران نشانه ای بارز است بر اینکه نظام غارتگر در ایران باید تغییر کند.

## سودان

اتحادیه های کارکنان بخشهای مختلف در سودان نقش اصلی را در سرنگونی دیکتاتوری عمرالبشیر در این کشور داشتند. مبارزه زحمتکشان سودان علیه بقایای رژیم نظامی در این کشور در سال ۲۰۱۹ ادامه یافت.

## اوکراین

در آخرین روزهای سال ۲۰۱۹ دولت اوکراین لایحه ای به پارلمان این کشور ارائه داد که به موجب آن، کارفرمایان می توانند هر زمان که بخواهند کارکنان خود را اخراج کنند. این قانون اجازه انعقاد قراردادهای کوتاه مدت و نیز قراردادهای را می دهد که در آن ساعات کار مقرر نشده است. به موجب این قانون، امکان افزایش ساعات کار برای کارفرما فراهم می آید. این قانون محدودیتهای برای اخراج زنان هنگام بارداری و مراقبت از نوزادان را لغو می کند. همچنین طبق این قانون کارفرما می تواند محل کار کارکنان را بدون رضایت آنها تغییر دهد. لایحه جدید همچنین حق انعقاد قراردادهای جمعی را از بین می برد و مانع حضور اتحادیه های کارگری در محیط کار می شود.

## ایالات متحده

در ایالات متحده آمریکا شمار شرکت کنندگان در اعتصابات کارگری سال ۲۰۱۹ با آمار مشابه سال قبل تقریباً برابری می کرد. اعتصابات معلمان که در سال ۲۰۱۸ آغاز شده بود، در ماه ژانویه ۲۰۱۹ در لس آنجلس ادامه یافت. معلمان شهر دنور ایالت کلورادو نیز در ماه فوریه ۲۰۱۹ اعتصاب کردند. اعتصابات معلمان ایالت ویرجینیای غربی نیز ادامه یافت. بسیاری از ایالات دیگر آمریکا نیز در سالی که گذشت شاهد اعتصاب معلمان بود.

برخی دیگر از موارد اعتصاب در آمریکا، در صنایع لکوموتیوسازی ایالت پنسیلوانیا، شرکت بزرگ مخابراتی ای.تی. اند تی.، کارکنان سوپرمارکتها و شرکت اتومبیل سازی جنرال موتورز صورت گرفت.

## فرانسه

در آخرین روزهای ۲۰۱۹ فرانس شاهد اعتصابات بیسابقه علیه قصد دولت امانوئل ماکرون رئیس جمهور این کشور برای تغییرات در نظام بازنشستگی این کشور بود.



## چشم انداز دهه ۲۰۲۰

دهه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ در حالی به پایان رسید که دولتها در تقریباً همه کشورهای جهان از یک مجموعه سیاستهای واحد اقتصادی پیروی می کنند. رؤس این سیاستهای معروف به نئولیبرال عبارتند از مقررات زدایی به بهانه برداشتن موانع کسب و کار، کاستن از خدمات تأمین اجتماعی، کاهش شمار کارکنان بخش دولتی و محدود کردن فعالیت اتحادیه های کارگری. این اتحادیه ها به مقاومت خود در برابر سیاستهای مزبور ادامه می دهند، اما با این چالش مواجهند که در سراسر جهان، اتحادیه ها و سندیکاها تنها بخش کوچکی از نیروی کار را در صفوف خود متشکل کرده اند. بخشی بزرگتر از اقلیت آسیب پذیر، از هر گونه تشکل محرومند. در نتیجه در سال ۲۰۱۹ در بسیاری از کشورهای جهان، از شیلی در آمریکای جنوبی گرفته تا ایران و عراق و لبنان در خاورمیانه، اعتراضات خیابانی صحنه اصلی مبارزه علیه محرومیت و فقر بود.

نزدیک به ۷۵ سال پیش، تئودور و. آدورنو فیلسوف و جامعه شناس آلمان نوشت شمار فزاینده ای از کارگران نمی دانند که کارگرند. به عبارت دیگر، در حالی که موقعیت عینی اکثریت مردم، آنها را در جایگاه بی چیزانی قرار می دهد که از آزادی، تنها آزادی فروش نیروی کار نصیبشان می شود، ذهنیت آنان بر این روند منطبق نیست. این مشاهده آدورنو، در جهان امروز نیز کماکان صدق می کند. تجربه مبارزات امروز زحمتکشان نشانگر آنست که میزان موفقیت مبارزات نیروی کار، به تبدیل طبقه کارگر عملاً موجود از طبقه ای درخود به طبقه ای برای خود بستگی دارد. هر جا زحمتکشان دریابند که چاره آنها نه سراب دستیابی به موقعیتی ممتاز برای یک گروه شغلی، قومی، مذهبی و غیره، که مبارزه همه بخشهای متنوع نیروی کار است، مقاومت در برابر تعرضها به حقوق نیروی کار اثربخش تر است. این مقاومت، نیازمند تشکل است.



**مبارزه مشترک برای آزادی فعالین کارگری، مدنی و سیاسی را سازمان دهیم!**



## نگاهی به وضعیت بیکاری، در میانه صداهای ساز و برگ جنگی مراد رضایی



مشدی عباد، فیلمی کم‌دی از دوره‌ی شوروی است که در خاطره‌ی آذربایجانی‌ها هنوز جایگاه ویژه‌ای دارد. داستان فیلم در مورد یک حاجی بازاری است که به سبب موقعیت اجتماعی و اقتصادی ویژه‌اش می‌خواهد با دختری که بسیار از خودش جوان‌تر است ازدواج کند. داستان حول مشدی عباد، گلنار جوان و معشوق او سرور در گردش است. اما مشدی عباد کارگری دارد که تمام دارایی و وضعیت اقتصادی‌اش را مدیون اوست. سر و کله‌ی کارگر نحیف و سرگردان، هرازگاهی در فیلم پیدا می‌شود و در تمام این آمدن و رفتن‌ها، تنها یک سوال دارد «به منیم بیر عاباسیم هارا گئندی؟» پس یک عباسی من کجا رفت؟ و ظاهراً تنها چیزی که به آن اهمیت داده نمی‌شود، یک عباسی آن بی‌نوا است!

این تمثیلی قریب به واقعیت، از وضعیت جاری در ایران است. با بروز و تشدید بحران‌های سیاسی و ایجاد تنش‌های نظامی، اولین چیزی که فراموش می‌شود وضعیت معیشتی کارگران است. طبقه‌ی کارگر، که مولد اصلی اضافه ارزش و منابع مالی کشورهاست، با بروز اولین جرقه‌های تنش سیاسی قربانی می‌شود و با وضعیت معیشتی به مراتب دشوارتر از قبل دست و پنجه نرم می‌کند. آمار تعداد سرباز و ساز و برگ جنگی، بر آمار بیکاری و خط فقر ترجیح می‌یابد. به ویژه‌ی در شرایط سیاسی و اجتماعی خاص ایران که حق هرگونه تشکل‌یابی از کارگران سلب شده است و کارگران برای تاثیر بر روندهای سیاسی، از اولیه‌ترین حقوق خود بی‌بهره هستند، قربانی شدن آنها در وضعیت تنش سیاسی، بیشتر است و هرگونه مقاومت در مقابل وضعیت، به شدت سرکوب می‌شود.

در هفته‌های اخیر دو آمار قابل توجه در زمینه‌ی بیکاری منتشر شده است، که برای وضعیت جاری کارگران ایران بسیار قابل توجه‌تر و با اهمیت‌تر از گذشته شدن قاسم سلیمانی، و موشک‌پرانی متقابل از سوی جمهوری اسلامی است. مرکز آمار ایران، که آمارهای تقلیل یافته و تخفیف داده شده، مهم‌ترین شناسه‌های آن هستند، نرخ بیکاری پاییز امسال را ۱۰/۶ درصد اعلام کرده است. باید توجه داشت که معیار حداقل «کار» برای این مرکز، دو ساعت کار در هفته است. علاوه بر این افراد در حال تحصیل نیز در این آمار شغال محسوب می‌شوند. با وجود تمام این ترفندها، مرکز آمار ایران نتوانسته است پنهان کند که آمار بیکاری در میان جوانان بسیار بیشتر از آمار میانگین است. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در این آمار ۲۵/۸ درصد است که یعنی جوانان بیش از دو برابر میزان متوسط بیکار هستند. و توجه کنید که در مورد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ای صحبت می‌کنیم که در حال تحصیل هم نیستند، ولی حتی هفته‌ای دو ساعت امکان اشتغال ندارند. بررسی نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۲۵ ساله نیز نشان می‌دهد که در پاییز ۱۳۹۸، ۱۷/۹ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند.

با وجود بیکاری گسترده، به ویژه در میان جوانان، یک بیکارسازی و اخراج گسترده نیز در اقتصاد ایران وجود دارد. سرمایه، همواره به سمتی از اقتصاد روانه می‌شود که «سود» و آورده‌ی بیشتری داشته باشد. صنعت نیمه‌جان ایران، سال‌هاست هیچ جذابیتی برای بلوک سرمایه در ایران نداشته است. با رشد تنش سیاسی، این عدم جذابیت رشد پیدا کرده است و سرمایه به سوی تجارت و به ویژه واردات گسیل شده است. امکان بهره‌مندی از سود دلارهای 4200 تومانی برای بخشی از تاجران که به رانت



حکومتی متصل هستند و البته سود تجارت قاچاق از مبادی رسمی برای تاجران بی‌بهره از دلار ارزان، سبب شده است تمرکز سرمایه در این بخش افزایش و در نتیجه در بخش‌های مسکن، صنعت، معدن و کشاورزی کاهش پیدا کند. در اقتصاد امروز ایران با بیشمار دلال فاسد طرف هستیم که هست و نیست طبقه‌ی کارگر را به غارت می‌برند. ابتدا با تعطیلی واحدهای صنعتی و کشاورزی پول خود را به سمت تجارت گسیل می‌کنند و سپس کالاهای وارد شده را با سودهای نجومی به همان طبقه‌ی کارگر می‌فروشند.

بحران کار در ایران، موجب اختلال در پرداخت بیمه‌های بیکاری از طرف سازمان تامین اجتماعی شده است. این سازمان وظیفه دارد برای مدتی به کارگران بیکار شده، بیمه پرداخت کند. البته بیمه‌ی بیکاری در ایران هیچ شباهتی به مدل‌های غربی این بیمه ندارد. مدل‌های غربی البته از آنجایی که اتحادیه‌ها و احزاب کارگری در کنار احزاب سرمایه‌داری در آنها وجود دارند و فعال هستند با طی بروکراسی، خود را موظف به تامین شغل برای شهروندان می‌دانند و از هنگامی که کسی برای کار کردن اعلام آمادگی کند، شروع به پرداخت مبلغی به عنوان بیمه‌ی بیکاری می‌کنند تا شغل مناسب فرد و توانایی‌هایش پیدا شود.

اما در ایران وضعیت اساساً به این شکل نیست. اگر کسی مدتی کار کرده باشد و به صورت رسمی از کار اخراج شود به شکل جدول زیر می‌تواند از بیمه‌ی بیکاری استفاده کند. میزان مقرری روزانه بیمه شده بیکار معادل ۵۵ درصد متوسط مزد یا حقوق یا کارمزد روزانه بیمه شده است. مجموع دریافتی مقرری بگير نباید از حداقل دستمزد کمتر و از ۸۰ درصد متوسط مزد یا حقوق وی بیشتر باشد.

## جدول محاسبه مقرری بیمه بیکاری

مدت پرداخت مقرری بیمه بیکاری		سابقه پرداخت حق بیمه
متأهلین و یا متکلفین	مجردین	
۱۲ ماه	۶	از ۶ ماه تا ۲۴ ماه کامل
۱۸ ماه	۱۲	از ۲۵ ماه تا ۱۲۰ ماه
۲۶ ماه	۱۸	از ۱۲۱ ماه تا ۱۸۰ ماه
۳۶ ماه	۲۶	از ۱۸۱ ماه تا ۲۴۰ ماه
۵۰ ماه	۳۶	از ۲۴۱ ماه به بالا



در اثنای دریافت این حق بیمه هم، کارگر باید اولاً در دوره‌های اجباری فنی و حرفه‌ای شرکت کند، دوماً هر ماه در سازمان تامین اجتماعی تعهد بدهد که در جایی کار نمی‌کند (حتی اگر این کار دستفروشی یا مسافرکشی باشد) و سوماً بازرسان بیمه‌ی بیکاری گاه و بیگاه به پرس و جو در مورد وضعیت اشتغال یا عدم اشتغال او در منطقه‌ی محل سکونتش می‌پردازند.

اما سازمان تامین اجتماعی این روش را به اندازه‌ی کافی ظالمانه نیافته است و در صدد است با قانون جدیدی، کارگران مستمری بگیر بیمه‌ی بیکاری را تحت فشار بیشتری قرار دهد. حاتم شاکرمی، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر بازنگری قانون بیمه بیکاری گفته است: امروز این قانون باید در مسیر و همسو با اصلاح ساختار اقتصادی کشور باشد. در این راستا معاونت روابط کار باید با حذف محدودیت‌های ایجاد شده در دامنه شمول قانون بیمه بیکاری و تشکیل کمیته‌های تخصصی و جمع‌آوری پیشنهادات در قالب یک پیش‌نویس جامع بیمه بیکاری را تهیه و جهت تصویب به دولت و مجلس ارائه دهد. منظور او اصلاح ساختار اقتصادی کشور، خصوصی‌سازی لجام گسیخته‌ای است که موجب دشواری بیش از پیش زندگی کارگران و بیکارسازی گسترده‌ی آنان شده است.

وزارت کار هنوز از جزئیات این «اصلاح در قانون» چیزی نگفته است. اما ۱۶ آذر امسال کریم یآوری (مدیرکل وقت حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) گفته بود: در حالی که بیم این می‌رود که ریزش نیروی کار مشکلاتی در زمینه پرداخت بیمه بیکاری به وجود آورد، در این زمینه مسائل دیگری هم مطرح است. دریافت مستمری بیمه بیکاری به افرادی که مستحق آن نیستند، یعنی سر کار می‌روند، اما رفتن سر کار را گزارش نمی‌دهند یکی از مشکلات مهم در این زمینه است.

کریم یآوری لپ مطلب اصلاح قانون بیمه‌ی بیکاری را بسیار شفاف مطرح کرده است: محدود کردن بیش از پیش پرداخت حقوق بیکاری، هدف مشترک سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار است. حتی اگر آن را در زورق قانون و اصلاح بیچند!

این روزها تنش میان ایران و آمریکا جدی است. جدیدی که حتی ممکن است منجر به جنگ شود. اما کارگران ایرانی مدت‌ها قبل از آغاز جنگ، قربانی آن بوده‌اند. با فشار معیشتی، اخراج، بیکاری و حقوق‌های بسیار پایین‌تر از خط مطلق فقر. در صورت بروز جنگ هم این طبقه‌ی کارگر خواهد بود زندگی و خانه و کاشانه‌ی خود را از دست خواهد داد. آنان که در بروز بحران، تنش و جنگ نقشی نداشته‌اند، قربانیان اصلی وضعیت شده‌اند...



**کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!**





## دستفروشی، تلاش برای بقا و زیست بداله بلدی



در اصل "چهل و سوم قانون اساسی" قید شده است که برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد و باحفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار است:

۱ - تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ - تامین شرایط و امکانات کاری برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند از راه وامهای بدون بهره.

اما عملکرد و کارنامه اقتصادی حکومت در این چهل و یکسال نه تنها این اصول را متحقق نکرده و به تعهدات خود در جهت بهبود وضعیت اقتصادی مردم پایبند نبوده، بلکه وضعیت مردم طی این مدت روزبروز فاجعه بارتر شده است. ناکامی در اجرای این تعهدات قانونی چنان بزرگ است که حتی تعدادی از نهادهای حکومتی نیز نمی توانند در آمارهایشان از کنار برخی از آمارها که بر ناکامیهای حکومت دلالت دارند بگذرند. با این حال حتا ارائه این آمارها هم موجب بهبودی در عملکردهای دولت نشده‌اند. به عنوان نمونه می توان به گزارشهای آماری که در خصوص این ناکامی توسط مرکز گزارشهای مجلس شورای اسلامی در سال ۹۷ منتشر شده‌اند اشاره کرد.

برابر این گزارشها، ۴۰ درصد مردم کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. ۱۷ درصد زیر خط فقر مطلق قرار دارند. در زمینه اشتغال نیز در حالی که برابر همین آمار طی ۱۵ سال ۱۶ میلیون نفر بر نیروی کار کشور افزوده شده میلیونها نفر فاقد کار و ناتوان از یافتن شغل هستند. ظرفیتهای شغلی ایجاد شده در این بازه زمانی بسیار کمتر از شمار کسانی است که به سن اشتغال رسیده‌اند. بنا به تازه‌ترین آماری که هفته گذشته توسط اداره آمار ایران منتشر شد، ظاهراً ۶/۱۰ درصد نیروی کار فاقد کار هستند. طبق همین آمار ۲۵ درصد جوانان بکلی بیکار هستند. این در حالی است که کارشناسان مستقل شمار واقعی بیکاران را ۱۹ درصد و بیکاری در بین جوانان را تا ۳۲ درصد تخمین می زنند.

از سوی دیگر بهره بالای بانکی و ترجیح بانکها به سرمایه گذاری در امورات غیر تولیدی امکان اشتغال مولد و مفید را که در قانون اساسی به مردم وعده داده شده را از بین برده است. حتا واحدهای تولیدی دایر نیز با کمبود سرمایه روبرو هستند و بانکها یا به آنها وام لازم را نمی دهند و یا سنگینی بهره بانکی گرفتن وام را نامقرون به صرفه نموده است. نتیجتاً تنها امکانی که برای گذران زندگی و بقا برای انبوه بیکاران باقی مانده است دست فروشی، کوله بری، مسافر کشی و امورات از این قبیل هستند که هر یک از آنها مشکلات، خطرات و دردهای خاص خودشان را دارند که بعضاً به قیمت جان عده زیادی تمام میشود.

### نکاتی چند پیرامون پدیده دستفروشی

در مورد آمار دستفروشان آمار دقیق و مشخصی در دست نیست اما بطور تقریبی در شهر تهران و دیگر شهرهای بزرگ بین ۸۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر از طریق دستفروشی امرار معاش می کنند که درآمد اکثرشان به زحمت جوا بگویی یک زندگی حداقل است. دستفروشان در تمام خیابانها، میادین، بازارها، پاساژها، متروها و در هر مکانی که مردم در آنها رفت و آمد می کنند دستفروشی می کنند. شغل معمولاً کم درآمد دستفروشی در واقع فقط تلاشی است برای بقا و زیست. این در حالی است که دستفروشان از هیچگونه حق و حقوق شغلی و بیمه هم برخوردار نیستند.



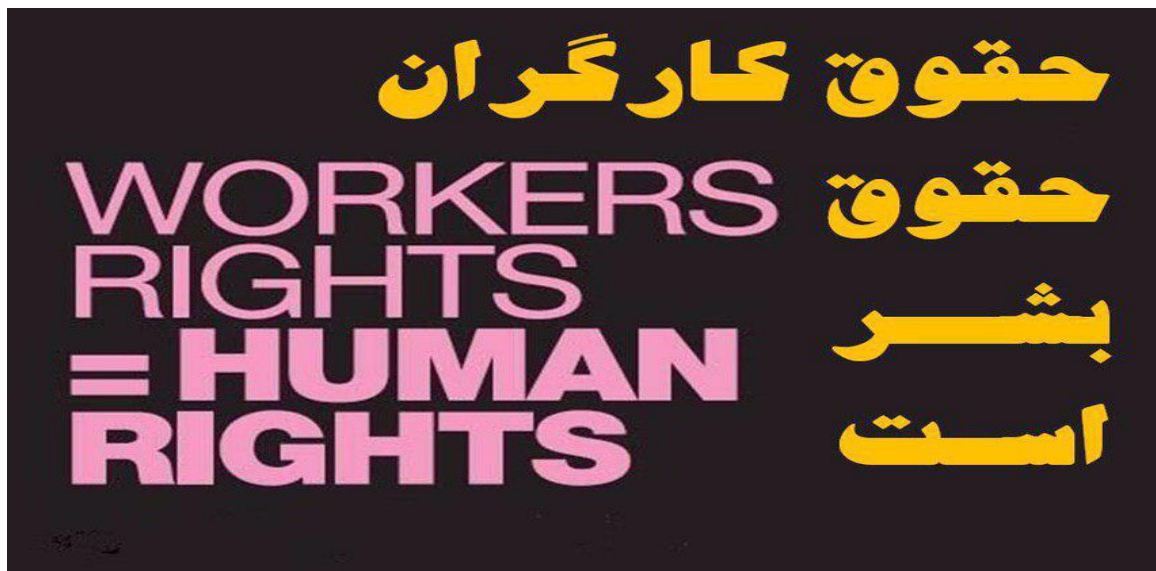
## نکاتی چند پیرامون دستفروشی و دستفروشان

دستفروشان از نظر جایگاه دو دسته هستند، دسته اول در یک جای ثابت مانند ورودی متروها یا پیاده رو خیابانها مستقر هستند، دسته دوم سیار هستند و در خیابانها و متروها و مکانهای پر رفت و آمد کالاهای خود را ب معرض فروش می‌رسانند. در جامعه ای که فاقد عدالت اجتماعی باشد پیامد آن بروز خشونت، فساد و بزهکاریست و همچنین ایجاد باندهای تبهکار و بزهکار مانند باندهای قاچاق و توزیع مواد مخدر. باندهائی هم هستند که با اجیر کردن کودکان کالاهای خود را در اختیار آنان میگذرانند و پس از فروش کالا بخشی از درآمد را به کودکان میپردازند. هر چند این باندها با باندهای تبهکار قابل مقایسه نیستند اما رفتار خشونت باری با کودکان دارند. کودکانی که بکار واکس زدن یا وزن کشی یا فال با پرنده اشتغال دارند در طیف دستفروشان قرار نمیگیرند.

زنان و کودکان بخش عمده ای از دستفروشان را تشکیل میدهند کودکانی که بعلت فقر خانواده ها ناچارند به دستفروشی روی آورند از اینرو از تحصیل باز می مانند.

درنداکترین صحنه های دستفروشی کودکانی هستند که با اصرار و التماس از عابرین میخواهند که از آنان جنس خریداری کنند. این کودکان در پایان روز با تنی خسته و رنجور راهی کلبه های محقر خود میشوند تا لقمه نانی بر سر سفره خالی خود بنشانند. کالاهائیکه توسط دستفروشان عرضه میشود شامل کالاهای سبک و قابل حمل و ارزان است مانند انواع لباس، کلاه، جوراب و اجناس دستباف، کیسه، لیف، اسباب بازی، کیف، آدامس و کالاهای مشابه آنها.

علی فاضلی رئیس اتاق اصناف اعلام کرد وجود صدها هزار نفر دستفروش عامل اختلال در نظام بازار و روند کسب و کار هستند از اینرو شهرداریها با دستاویز "سد معبر" مانع از فعالیت دستفروشان میشوند. مامورین شهرداری مبارزه با سد معبر معمولاً از میان جوانان تنومند انتخاب میشوند و این مامورین با خشونت با دستفروشان برخورد میکنند. نحوه برخورد خشونت آمیز مامورین با دستفروشان در سالهای اخیر بازتاب زیادی در دنیای مجازی داشته است. گاهی برخورد مامورین چنان خشونت بار است که حتی منجر به مرگ دستفروشان شده چنانکه در سال ۹۴ حمید فرخی نژاد دستفروش ۲۲ ساله در اهواز که مانع از کار او شده بودند خودسوزی کرد و کشته شد. در سال ۹۶ دو دستفروش بنامهای مظفر عباسی در قم و علی چراغی در تهران بر اثر صرب و شتم مامورین کشته شدند. مامورین شهرداری در برخورد با دستفروشان پیرمرد و پیرزن نیز با خشونت برخورد میکنند و اموال ناچیز آنان مانند یک جعبه میوه یا بساط باقلا و لبو را نیز مصادره میکنند. با توجه به بیکاری روزافزون، مهاجرت از روستاها به شهرها افزایش نیاز به شغل دوم، تعطیل شدن کارخانه ها وقوع زلزله و سیل و از سوی دیگر عدم مسئولیت پذیری رژیم نسبت به وضعیت فلاکت بار اقتصادی مردم عدم توانایی حکومت در ایجاد اشتغال همچنان از این به بعد نیز شاهد گسترش بیشتر پدیده دستفروشی خواهیم بود.



همه با هم به حمایت از بازداشت شدگان و خانواده‌های جان باختگان  
خیزش سراسری برخیزیم!



## دستمزد و تحریم انتخابات، دو بیرق مبارزه کارگری ایران فرهاد فدائی



بعد از سرکوب اعتراض های آبان 98 توسط نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم جمهوری اسلامی ایران که بیش از 10 هزار تن دستگیر، هزاران تن زخمی و بنا بر آمار اعلام شده بیش از هزار تن کشته شدند، دو چالش اساسی (تعیین دستمزد و تحریم انتخابات) در برابر کارگران و زحمتکشان با حکومت وجود دارد.

اولین چالش تعیین دستمزد سال 99 است که از همین الان چانه زنی در بین محافل تشکل های مختلف کارگری، کارفرمایی و دولت آغاز شده است.

دولت تصمیم دارد برای کارمندان خود 15 درصد افزایش دستمزد، برای سال 99 در نظر بگیرد و از این رو می خواهد دستمزد کارگران را نیز در همین حد و اندازه تعیین کند، با وجود این که طبق برآورد دولت تورم در سال 98 به 45 درصد رسیده است، و معمولاً بعد از عید هم شاهد افزایش نرخ تورم خواهیم بود، که قیمت ها تا حدود 25 درصد افزایش خواهد یافت و عملاً بالا رفتن سقف دستمزد ها در تورم بعد از سال نو، تغییری در شرایط زندگی کارگران برای غلبه بر گرانی ها ایجاد نمی کند.

حسین راغفر (اقتصاد دان) در گفت و گو با رسانه های داخل کشور تحلیل خود را از اقتصاد ایران در سال آینده چنین عنوان می کند:

" در سال 1399 ادامه این وضعیت به افزایش تورم منجر خواهد شد.

نرخ تورم در سال آینده درصد بالاتری نسبت سال 98 خواهد داشت.

کسری بودجه به شدت افزایش خواهد یافت و رکورد بیشتری هم انتظار می رود.

با توجه به صحبت های بالا افزایش 45 درصدی دستمزد ها حتی اگر اعمال شود، کارگران نمی توانند هزینه های زندگی خود را با تورم پیش رو پاسخ دهند".

از این رو شرایط اقتصادی در کشور خصوصاً با توجه به تمام شاخصه های اقتصادی و معادلات سیاسی، تحریم و ... عملاً مانند گردابی است که روز به روز زندگی مردم را به کام نابودی سوق می دهد.

مبارزه برای دستمزد دربرگیری گسترده ای دارد، بخش های بزرگی از جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد و اگر با درایت سازماندهی شود می تواند، پتانسیل اعتراض های 98 را به مطالبه دستمزد پیوند زند و تبدیل به خواست ملی شود.

بی شک موتور چنین حرکتی کارگران و تشکل های کارگری هستند. با توجه به این که تشکل های کارگری مستقل محدودی که وجود دارند به علت تحت پیگرد قرار داشتن میدان فعالیت شان به شدت محدود است آن بخش از اعضای تشکل های صنفی زرد که تا حدودی معتقد به صیانت از حق و حقوق کارگران هستند، باید سعی کنند با همکاری تشکل های مستقل با چانه زنی و

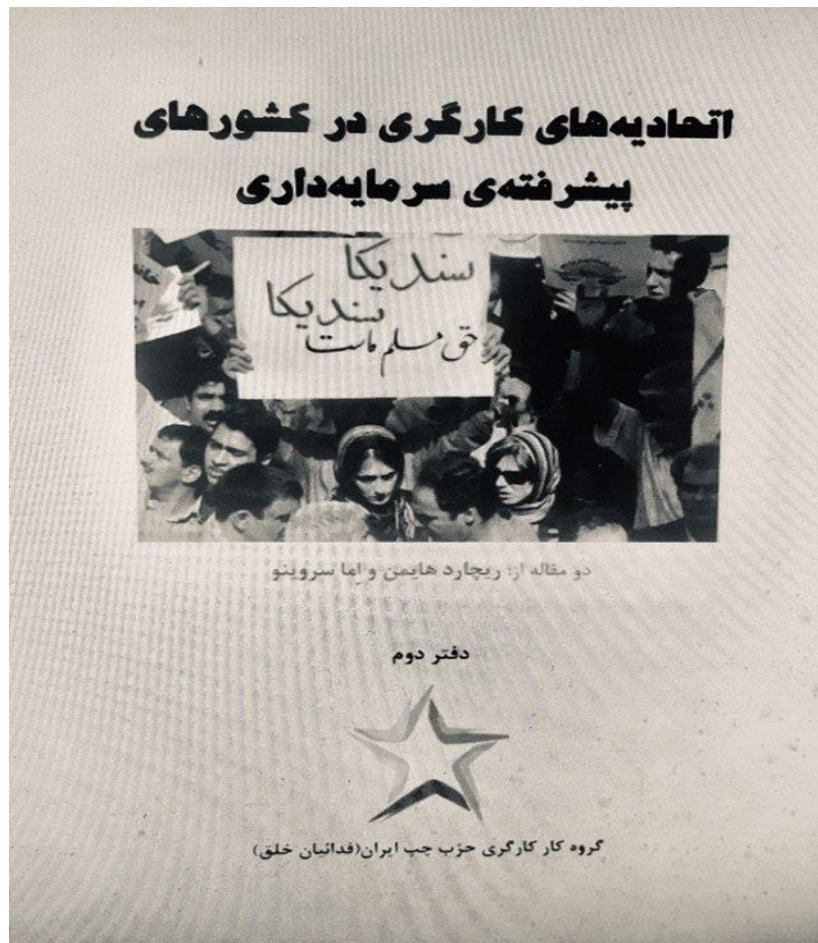


فشار از پایین مسوولان خود را به تصمیمات جدی در تحقق مطالبه دستمزد بر اساس قانون کار که مشخصا تعیین دستمزد را مشروط بر در نظر گرفتن میزان تورم و سبد کالای خانوار کارگری می داند، وادار کنند، عملا زمینه سازماندهی های گسترده در سطح کشور تحقق پیدا خواهد کرد.

اما نکته دوم، تحریم انتخابات است، فعالان کارگری به همراه دیگر تشکل های مدنی و فعالان سیاسی در راستای تبلیغ و سازماندهی برای دستمزد می توانند از حربه تحریم انتخابات جهت افزایش دستمزد بهره بگیرند و تحریم انتخابات را به عنوان ابزار فشار بر حاکمیت و دولت به بیرق خود تبدیل کنند.

چنین روندی باعث می شود که مطالبه دستمزد امسال از سوی کارگران با پشتوانه قدرت تحریم انتخابات به بار بنشیند و اگر پاسخ مناسب از سوی دولت برای تامین خواسته کارگران تحقق پیدا نکند، کل حکومت، خود را در برابر مشکلی بزرگتر خواهد یافت.

از این رو مطالبه افزایش دستمزد در کنار تحریم انتخابات دو هدف مشخص برای جنبش کارگری ایران است که می تواند با یاری تشکل های مدنی، فعالان سیاسی و جنبش آزادی خواهانه و عدالت طلبانه ایران، حرکت های اعتراضی آبان 98 در کشورمان را به جنبش کارگری در ابعاد ملی پیوند زند.



گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) "دفتر دوم" را بصورت جزوه انتشار داد  
\*اتحادیه های کارگری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری

[ریچارد هایمن و اما سروینو](#)

ترجمه از نشریه "جنگ کارگری"

<https://bepish.org/node/3082>



## تاریخ شگفت انگیز نئولیبرالیسم- بخش سوم پتر ویم زاید هوف



### تاریخ معنوی نئولیبرالیسم چه می گوید

دلیل چهارم برای تدقیق روایت مرسوم از لیبرالیسم به تاریخ معنوی آن مربوط می شود. در این فاصله تحقیقاتی در این باره انجام یافته اند. این تحقیقات کمک می کنند که روایت مرسوم را در چشم انداز وسیعتری قرار دهیم و در عین حال سؤالات جدیدی را به پیش می کشند. در روایت مرسوم، هایک و فریدمن به عنوان پدران معنوی نئولیبرالیسم معرفی می شوند. در این مورد می توان چند دلیل مقبول را ارائه کرد. اما در عین حال می توان ملاحظات مهمی را به میان کشید. دلیل این که هایک و فریدمن تا مقام دو قدیس نئولیبرالیسم بالا کشیده شده اند، یکی در این واقعیت نهفته است که آنان سهمی قطبیت آفرین در تاریخ نئولیبرالیسم داشته اند و دیگری این که از زمره انجمن مون پلری بوده اند. اما تاریخ معنوی نئولیبرالیسم از منابع بیشتری سیراب شده است و به خود به عنوان یک پروژه روشنفکری پیچیده، فراملیتی و غالباً هم متناقض تکامل بخشیده است. من خواهم کوشید این نکته را با بررسی منابع معنوی اصلی نئولیبرالیسم توضیح دهم.

تحقیقات متأخرتر در باره نئولیبرالیسم نشان می دهند که نئولیبرالیسم نه از آمریکا، بلکه درست از اروپای سالهای ۱۹۳۰ در لندن، پاریس، وین و فرایبورگ منشأ گرفته است. در بافتاری که در آن تمایل عمومی بر آن بود که دوره "بگذار برود" (لسه فر، laissez faire: اصطلاح مرسوم در اقتصاد برای توصیف آزادی تولید و تجارت بدون مداخله دولت) به انتها رسیده و دوره جمعگرایی (کلکتیویسم) فرارسیده است، ما در جاهای مختلف شاهد جمع شدن روشنفکرانی به دور هم هستیم که در جستجوی یک راه حل بینابینی لیبرالی اند؛ راه حلی در میانه لسه فر قرن نوزدهمی از سوئی و از سوی دیگر تمایل مسلط روز برای برنامه ریزی مرکزی. سال ۱۹۳۸ تنی چند از این روشنفکران یکدیگر را در سمینار ولتر لیپمن (Colloque Walter Lippmann) در پاریس ملاقات کردند. در این سمینار، که توسط لوئی روزه (Louis Rougier)، اقتصاددان فرانسوی، سازماندهی شده بود، لیبرالهایی از فرانسه همچون ریمون آرون و ژاک روف (Jacques Rueff)، از اتریش لودویک فون میسس، میخائیل پولائی و هایک - که همان موقع عضو پیوسته مدرسه اقتصادی لندن بود - و ویلهلم رُپکه و الکساندر روستف، از آردولیرالهای آلمان (۱) حضور به هم رسانده بودند تا کتاب تحقیق در اصول یک جامعه نیک از والتر لیپمن، روزنامه نگار آمریکائی، را که تازه انتشار یافته بود بررسی کنند. بورگین مدعی است که کتاب لیپمن را باید مانیفست [اعلام نشده] نئولیبرالیسم تلقی کرد. این کتاب از نقش دولت به عنوان ضامن کارکرد اقتصاد به طور کلی دفاع می کند، اما اقتصاد به عنوان فضای بده بستان افراد و بازار آزاد، لیپمن در این نظر زیر تأثیر اقتصاددانان شیکاگو همچون نایت و سیمونز، و نیز هایک است که در آن زمان در لندن زندگی می کرد. هایک به نوبه خود کتاب را مؤید ایده های سیاسی تازه جوانه زده خودش می دانست.

در این سمینار در باره لزوم ارائه لیبرالیسم نوسازی شده ای گفتگو شد که می بایست در بین هرج و مرج اقتصاد بازار آزاد و اسارت اقتصاد برنامه ریزی شده میانه را نگه دارد. نتیجه چنین اقتصادی می بایست یک اقتصاد بازار سازمانیافته باشد. در این سمینار پیشنهاد نام نئولیبرالیسم برای این مدل پیشنهاد شد، اما سمینار آن را نام مناسبی نیافت و همانجا آن را رد کرد. این سمینار برای هایک اهمیت خاصی داشت، زیرا او را به ایده ای رهنمون شد که بعدها به تأسیس انجمن مون پلری انجامید. هایک از این بابت نیز که سمینار سنتهای روشنفکری بیشتری را گرد هم آورده بود، برای آن اهمیت بسیاری قائل بود. در این



سمینار در کنار ایده های لیبرالهای اتریشی مثل میسدرباره بازار آزاد، ایده های هایک در باره "نظم خودانگیخته" و غیرممکن بودن برنامه ریزی مرکزی، و نیز ایده های اُردولیبیرالهای آلمانی در کنار هم مطرح شده بودند.

این دارای اهمیت است که جریانات روشنفکری مختلف در تاریخ معنوی لیبرالیسم را از هم تفکیک کنیم. اُردولیبیرالیسم یک مکتب آلمانی بود که گرد گروهی از حقوقدانان و اقتصاددانان مثل والتر اوکن، فرانز بوهم، آلفرد مولر-آرماک و رُپکه و روستف پیشگفته در سالهای 20 و 30 قرن گذشته در دانشگاه فرایبورگ شکل گرفته بود. این گروه آثار خود را در مجله اُردو (Ordo) انتشار می داد و به عنوان نئولیبیرال شناخته می شد. باوجود تفاوتی قابل توجه در نظرات اعضای این مکتب، اما همگی شان نگران کارکرد بازار آزاد از سوئی و از سوی دیگر مداخله عمومی در اقتصاد بودند. به نظر آنان مداخله عمومی در اقتصاد، به جای انحصارات عمومی به انحصارات خصوصی می انجامید. رویکرد حقوقی آنان این بود که هر اقتصادی نیازمند یک قانون اساسی است، یعنی کلیتی از قوانین که مراقب خواهد بود نه شرکتها و نه دولتها به قدرت بزرگی مسلط بر اقتصاد تبدیل نشوند. ایده مرکزی در دیدگاه اُردولیبیرالیستها ایده حاکمیت و نظم اقتصادی است. ایده این است که دستهای آزاد در بازار تنها در صورتی به نتایج مثبتی منجر خواهند شد که ابتدا توسط قانون نظم یابند و قانونمند شوند. اُردو لیبرالها با ایده قانون اساسی اقتصادی در میانه بازار آزاد (لسه فر) و برنامه ریزی دولتی قرار می گیرند. اگرچه یکی از اعضای این گروه، مولر آرماک، یکی از پیشگامان اقتصاد بازار اجتماعی بود، که در سالهای پس از جنگ در آلمان شکل گرفت، این مدل نه به اُردولیبیرالیسم و نه به نئولیبیرالیسم ربطی نداشت.

(1)- Ordoliberal: واریانت آلمانی لیبرالیسم اقتصادی که بر لزوم وجود دولت برای تضمین عملکرد و نتایج بازار، چنان که در تئوری ادعا می شود، تأکید دارد.

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**sabosob@gmail.com**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**



**همه با هم علیه سرکوب فعالین کارگری و حقوق سندیکایی کارگران  
مبارزه کنیم!**